

موافقت نامه دوحه

میان گروه طالبان و ایالات متحده امریکا



به کوشش:

زکریا اصولی

هژدهم جدی سال ۱۴۰۱ هجری خورشیدی

به نام خداوندِ جان و خرد

موافقت نامه دوحه میان گروه طالبان و ایالات متحده امریکا

به کوشش:

زکریا اصولی

هژدهم جدی سال ۱۴۰۱ هجری خورشیدی



سرشناسه:

موافقت نامه دوحه میان گروه طالبان و ایالات متحده امریکا

به کوشش: زکریا اصولی

نوبت چاپ: نخست قوس سال ۱۴۰۱ هجری خورشیدی

شماره گان: ۱۰۰۰ نسخه

محل چاپ: کابل افغانستان

سخن نخست

به اساس توافق نامه دوحه در قطر قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی به گروه طالبان واگذار شد؛ جمهوریت فروپاشید و نیروهای امریکایی با وصف قراردادهای و معاهدات استراتژیک افغانستان را ترک کردن، یک بار دیگر مردم افغانستان در بحران متنوع شدید بشری فرو رفتند.

نگرانی مردم افغانستان و کشورهای منطقه با به قدرت رسیدن دوباره گروه طالبان فزونی گرفت، صد کادر علمی، محقق و پژوهنده افغانستان را ترک کردن؛ تمام مراکز علمی و تحصیلی به گونه کاملاً تعطیل شد.

بارها از طریق رسانه‌های جمعی حتی محافل خصوصی این پرسش به گونه مشهود و جود داشت که موافقت نامه دوحه شامل کدام مواد است، چرا یک فصل آن شامل توافق نیست و... من به عنوان شهروند خراسان / افغانستان خواستم این موافقت نامه را به گونه مستقل، مستدل و علمی تدوین و منتشر سازم، امید است به دسترس همگان قرار گیرد.

زکریا اصولی

استان پنجشیر

خان خیل بخش خیل

هفدهم قوس سال ۱۴۰۱ هجری خورشیدی

قرارداد وزیرستان شمالی پنجم سپتامبر سال ۲۰۰۶ میلادی

این قرارداد میان دکتر فاخر علم مامور دائمی سیاسی دولت پاکستان برای مناطق ایلاتی (قبایلی) و طالبان به مهر و امضا رسید که به قرارداد وزیرستان شمالی معروف است، هفت تن از اعضای شورای قبایل؛ زیر آن امضا کردند. به نوشته روزنامه پاکستانی «دوان» مهم ترین فرماندهان نیروهای طالبان که تحت تعقیب نیروهای نظامی می باشند نیز نمایندگانی به آن فرستاده بودند. این سند قبل از امضا توسط یکی از نمایندگان مجلس پاکستان مولوی نیک زمان، در آن مجلس قرائت گردید. این سند شامل شش ماده و چهار بند است که به روشنی موجب بی آبرویی پاکستان گردید. به عبارت دیگر آبروی امریکا در جنگ علیه تروریسم ریخت. خارجی های که در ناحیه مورد نظر اقامت دارند، یعنی القاعده باید کشور را ترک گویند. هرکسی قادر به ترک پاکستان نباشد، به شرط آن که رفتارش صلح آمیز بوده و به قوانین جاری و بندهای این قرارداد احترام بگذارد، مجاز به ماندن است.

این حکم تمام جنگ جویان القاعده را که احتیاج میرمی به استراحت موقت داشتند، تبرئه می کند. این توافق باور نکردنی یک نتیجه باور نکردنی نیز در برداشت. یک دبیر شبکه «ای بی سی» به نام «

۷ ■ به کوشش: زکریا اصولی

براین راس» چنین نوشت: «سرتیپ شوکت سلطان خان که سخن گوی پرویز مشرف رییس جمهور پاکستان است، دریک مصاحبه تیلیفونی با «ای بی سی» نیوز اظهار داشت که اسامه بن لادن اگر رفتارش صلح آمیز باشد در پاکستان در معرض دستگیری قرار نخواهد داشت، البته این سرتیپ، در درجه اول به کشور خود اندیشیده است و قصد نداشته است قرارداد مزبور را به زیر سوال ببرد اما او حساب تحریکات روانی امریکایی ها را نکرده بود.

ریچارد کلارک هماهنگ کننده ملی امریکا در امور امنیت زیرساختی و مبارزه با تروریسم، که در یازدهم سپتامبر هماهنگی عملیات تدافعی برای ادارات مختلف دولتی را انجام داده بود، بلافاصله در همان شبکه «ای بی سی» به آن پاسخ داد، به این قرار که گویا طالبان و القاعده با پاکستان توافق کرده اند که آزادی عمل داشته باشند. این اظهار نظر وی منجر به دوری وی از بوش و تغییر پست او در دولت، و سرانجام استعفای او در سال ۲۰۰۳ میلادی گردید. رییس جمهور بوش نیز نمی توانست موضوع قرارداد را بدون تفسیر بگذارد. وی در همان روز امضای قرارداد پنجم سپتامبر سال ۲۰۰۶ میلادی اعلام کرد: امریکا و متحدانش با یک دیگر همکاری می کنند، تا راه های فرار تروریست ها را در همه نقاط غیر قابل کنترل دنیا به دنبال یافتن پناه گاه ها هستند، مسدود نمایند. ناظران مجرب امور سیاسی این گونه اظهار نظر ها را «جملات فرمولی» می نامند.

چند ماده از این قرارداد:

- کوشش برای نفوذ نظامی به افغانستان باید پایان یابد.
- دولت هیچ گونه عملیات زمینی یا هوایی دیگری علیه مقاومت (طالبان) انجام نخواهد داد.
- نیروهای نظامی از پست های کنترولی که در منطقه ایجاد کرده اند عقب نشینی می کنند.

و جای آن ها را نیروهای شبه نظامی خاسارا khasadar و لوی levy می گیرند. قرار داد با این عقب نشینی وارد مرحله اجرایی می گردد. به گزارش داون، دسته های نظامی در همان روز امضای قرار داد به میزان وسیعی به پادگان افسانوی «توچی اسکاوت» واقع در میرام شاه

عقب نشینی کردند.

■ هر دو طرف، هم ارتشیان پاکستان و هم جنگ جویان آن‌ها را آن‌جا به این نام می‌خوانند جنگ افزار و وسایل ارتباطی گوشی‌های موبایل را که طی عملیات مختلف از یک دیگر اخذ کرده بودند، پس می‌دهند.

■ بزرگان قوم، مجاهدان جنگ جویان و قبیله اوتمان زایی تضمین می‌کنند می‌کنند که هیچ‌احدی متعرض نیروهای امنیتی و اموال دولتی نگردد.

■ در منطقه وزیرستان شمالی قتل عمد و ادارات رقیب دستگاہ‌های دولتی ممنوع و فقط قوانین حکومتی حاکم خواهد بود.

■ جنگ جویان به استان‌های مجاور رفت و آمد نخواهند کرد.

■ دولت افرادی را که در هنگام برخورد های نظامی اسیر کرده است، آزاد خواهد کرد و دوباره دستگیر نخواهد کرد.

■ اعطای تمامی مزایایی که به وابسته‌گان قبایل تعلق می‌گرفته است، از نو تجدید خواهند شد.

■ دولت به کلیه وابستگان قبایل که طی جنگ‌های اخیر زبان‌های جانی و مالی دیده‌اند، خسارت خواهد پرداخت.

■ حمل جنگ افزارها، البته جنگ افزارهای سبک دستی و نه جنگ افزارهای سنگین مجاز است.

■ کمیته‌یی متشکل از ده نفر از اعضای ادارات محلی و روحانیون برای نظارت بر این قرارداد تعیین می‌شود.

■ کارشناسان تنها به خاطر ماده اخیر که روحانیون را در سازمان‌های سیاسی مشارکت می‌دهد، این قرارداد را پذیرش حکومت اسلامی در وزیرستان شمالی تلقی می‌کنند.

پرداخت خساراتی که این‌جا مطرح گردیده، موضوع بعدی را مطرح ساخت. یکی از سخن‌گویان طالبان به نام عبدالله فرهاد که به خاطر داشتن حکم توقیف در آن اجتماع شرکت نکرده بود توسط موبایل ارتباط برقرار کرد و اظهار داشت که دولت قول داده است در صورتی که برخلاف قرار قبلی جنگ افزارها و خود روهای توقیف شده را پس ندهد، ده میلیون روپیه کلدار خسارت بپردازد. علاوه برین، موصوف

اعلام کرد که جنگ جویان خارجی که رسماً به آن‌ها القاعده می‌گویند در آن استان وجود ندارند.

بنابر گزارش‌های ارسالی پنج‌صد تن از افراد ارتش، ریش سفیدان قبایل و جنگ جویان برین مراسم ناظر بوده و جنگ جویان طالبان با جنگ افزارهای سنگین نیز مراقب بودند. سرتیپ اظهر علی شاه اداره مراسم را به هنگام امضا قرارداد به عهده داشت. وی در پایان مراسم رهبران طالبان را در آغوش گرفت. درین قرارداد که با توافق بالاترین جنرال‌های پیمان ناتو و رییس طالبان یعنی ملا عمر بسته شد، مقرر گردیده است که طالبان و متحدان آن‌ها در و زیرستان شمالی که در مجاورت مرز افغانستان می‌باشد، در صورتی که کلیه نظامیان پاکستان که تا آن زمان به سختی می‌توانستند جلو اوج‌گیری فعالیت آن‌ها را بگیرند، از آن منطقه عقب‌نشینی نمایند و منطقه حاکمیت خود را داشته باشند.

قید ممنوعیتی که درین قرارداد در نظر گرفته شده است، مبنی بر این که انجام عملیات نظامی از مرز کشور به مناطق مجاور عبور ننمایند، برای آشنایان به اوضاع محیط، از آن حرف‌هاست. دراین رابطه باید دانست که این مرز:

■ برای مردم اطراف، قبایل، طوایف و افراد شان که در دو سوی مرز زندگی می‌کنند از قرن‌ها پیش هیچ‌گونه مرز جداکننده‌یی به حساب نمی‌آمده است.

■ روزانه مردم هزاران بار از آن عبور می‌کنند.

■ واصلاً امتداد آن هرگز به درستی مشخص نگردیده است.

با این صورت روشن است که این ممنوعیت عبور من در آوردی، که به موازات جایز شمردن حمل جنگ‌افزار و جلوگیری از مراقبت، در نظر گرفته شده است، هم مانند دعوتی تلقی می‌شود، با این معنا که هرکاری که دل‌تان می‌خواهد انجام دهید. واکنش‌های از این نوع که قرارداد مزبور کوششی است از جانب دولت پاکستان برای حفظ آبروی خویش، با توجه به اعتراف پاکستان به این که قادر نیست آن منطقه را به کنترل خویش در آورد به نقل از نیویارک تایمز با توجه به این که پاکستان در سال‌های پیش در جنگ‌های که با طالبان داشته است تا سی

هزار از نیروهای خود را از دست داده است. روشن می‌شود که چگونه این قرارداد امکان پذیر شد. با قرارداد وزیرستان شمالی کشت و کشتار به آن سوی مرز به افغانستان انتقال یافت.

شان مک کورمک، سخن گوی وزارت خارجه امریکا این قرارداد را با خون سردی کامل تفسیر کرد: «امریکا ترجیح میدهد که پاکستان کنترل بر منطقه را حفظ نماید، به جای این که آن را بدست بزرگان ایالات (قبایل) بسپارد» سپس مک کورمک آن چنان ماهرانه حرافی کرد که هر خبرنگاری را به فکر کردن انداخت، تا این که در نهایت با این کلام که در ماجرای مرزی مزبور قضیه به یک مشکل تاریخی پاکستان تبدیل می‌شود.

بیانیه پس از یک ماه؛ مفاد قرارداد وزیرستان برای طالبان افغان والقاعده از آغاز معلوم بود، این دو گروه از آزادی وامنیت تازه بی برخوردار شده بودند، بهره برداری کرده و نتوانستند شمار نیروهای فرامرزی خویش راه سه برابر کنند. طبیعی است که یک چنین افزایشی از انظار عمومی پنهان نمی‌ماند. برای این که عکس العمل‌های غیر قابل کنترل، آرامش افکار عمومی را منحل نسازد، می‌بایست توضیحی داده می‌شد که با این حال کارها به درستی پیش می‌روند. لذا پاکستان را مقصر جلوه دادند که کم کاری کرده است و کنترل امور را از دست داده است. هر چه باشد پرویز مشرف رییس جمهور پاکستان، با این اتهام که متحد دوگانه است بخوبی آشنا بوده و نقش خویش را به خوبی ایفا می‌کند.

دیوید ریچاردز انگلیسی فرمانده وقت نیروهای ناتو ایساف در اولین هفته سال ۲۰۰۶ میلادی در اسلام آباد به سراغ مشرف میرود. قصد ریچاردز اعتراض به قرارداد وزیرستان شمالی بوده است. این موضوع کاملاً واضح بود، چرا که در این زمان که درست یک ماه پس از عملی شدن آن قرارداد بود. فشار وارده، بر نیروهای مستقر در مرز افغانستان و وزیرستان شمالی از ناحیه حملات طالبان از سوی پاکستان بسیار افزایش یافته بود. حتی ریچاردز قصد داشت نشانی پستی ملا عمر، رهبر طالبان در شورای کویته را که همایش داشته است، به گونه اعتراض آمیز به مشرف مسترد کند.

چنین اعتراضی پس از آن موفقیت های افسانه آمیزی که طالبان فقط طی یک ماه به دست آورده بودند، برای هر کسی قابل درک بود. اما چگونه باید فهمید که این جنرال کوچک ترین اعتراضی هم نکرده و گذشته از قرار داد وزیرستان حتی درخواست دستگیری دومین تروریست افغانستان را نیز از او نخواست است؟ کویا لودن از همان اطلاعات وسیعی که دیگر مطبوعات نیز داشته اند. برخوردار بوده است. به هر حال لحن سخن و توصیفی که وی به کار می برد این را می رساند: «چنین به نظر می رسد که این قرارداد پیش درآمدیست برای توافق درین جهت که برقراری صلح برنامه ریزی شده و مشارکت دادن طالبان درتشکیل دولت کابل آغاز گردد. رییس جمهور مشرف، جنرال ریچاردز را با این سخن قانع کرد:» اگر نمی توانی آن ها را بکوی (طالبان را) با آن ها متحد شو!»

پیمان ناتو قرارداد وزیرستان شمالی را تأیید کرد، زیرا برایش قابل قبول واقع شد و این برداشت را به وجود آورد که به خوبی مدیریت شده باشد. آن چه را که ناگهان همه فراموش کردند این بود که می خواستند همین طالبان را که از سال ۲۰۰۱ میلادی با هزینه معادل ۱۵۰ میلیارد دلار از اریکه قدرت پنهان کشیده شده بود، اکنون مودبانه و با مهمان دوستی پناه دهند و بار دیگر درکابل شریک قدرت کنند. مگر درست پیش از آغاز سال ۲۰۰۷ میلادی فرمانده نیروهای ناتو - آیساف عوض شد و به دست جنرال «دان مک نیل» از ارتش امریکا سپرده شد. آن گاه، وی چه کرد؟ او پس از این که طالبان و القاعده با اجازه امریکا تمام زمستان را در وزیرستان شمالی به خوبی استراحت کرده بودند، بار دیگر مورد حمله قرارداد.

جنرال ایکنبیری (بعدن سفیر امریکا درکابل) زمینه را برای درگیری های نظامی و وحشتناک فزاینده از ۲۴۰۰ مورد به ۶۴۰۰ به خوبی آماده کرده بود. اما ایکنبیری به اطلاعات دیگری نیز واقف بود که با گذشت زمان اکنون منتشر شده اند. اطلاعاتی که موجب شده بود جنرال ریچاردز در ماه اکتوبر در اسلام آباد اعتراضی نکند؛ فزونی درگیری های مرزی سه و نیم برابر شده بود. برخی نتیجه گیری ها از این گونه برخورد رعایت آمیز نسبت به طالبان، از جانب نیروهای ناتو و پاکستان ضروری

به نظر می‌رسند. هرکسی که مرزبانی وزیرستان شمالی را به این گونه رها کند:

■ با این کار حلقه جنگ جویان طالبان را توسعه می‌دهد.

■ مناطق مرزی را به عدم ثبات می‌کشاند.

■ درتحلیل نهایی، موجب تقویت مجموع نیروهای شورشی می

گردد.

آیا جدأً بپذیریم که مسولان این راهکار، نمی‌توانستند پیامدهای آن را پیشبینی کنند؟ اما اگر آن‌ها پیامدهای آن را می‌شناختند، پس درین صورت هدف آن‌ها از بدتر شدن اوضاع درافغانستان چه بود؟ بنابراین به دنبال ارائه اطلاعات آماری جنرال ایکنیری بود که حمله جنرال دان مک نیل صورت گرفت. این حمله در فوریه سال ۲۰۰۷ میلادی انجام شد. بابرنامه ریزی قبلی، برای افزایش نیروها در دیدار سران پیمان ناتو در ریگا در پائیز سال ۲۰۰۶ میلادی تصمیم‌گیری شده بود، برای: اولاً نفرات بیشتر و ثانیاً کمک بیشتر برای توسعه و بازسازی.

سیاست افزایش درگیری‌ها که با تهاجم جنرال مک نیل قوت گرفت، موجب واقعه قابل پیشبینی شد: درگیری‌های نظامی اوج گرفت، نیروهای متحد تحت فشار قرار گرفتند و فزونی نیروهای نظامی ضرورت یافت. یک توافق محلی با طالبان برای برقراری صلح، موسوم به قرارداد موسی قلعه نیز در ۴ فبروری سال ۲۰۰۷ میلادی در پی حمله هوایی امریکا به یکی از هم‌پیمانان طالبان، منتفی شد. با این حال، آرامش در پاکستان حفظ گردید و قرارداد وزیرستان شمالی برقرار شد. پاکستان با موفقیت از سیاست اوج‌گیری درگیری امریکا با طالبان تا جنوری سال ۲۰۰۷ میلادی که بحران مسجد لعل به وجود آمد و آرامش پاکستان را برهم زد، بهر حال مصداق داشت، فاصله گرفته است.

قرارداد ولسوالی موسی قلعه ولایت هلمند میان انگلیس ها و گروه طالبان

موسی قلعه یکی از ولسوالی های پشتون نشین ولایت هلمند است. با تولید بیست درصد کل محصول بزرگ ترین مکان کشت و تولید خشخاش در سراسر جهان است، نیروهای انگلیسی* در تفاهم با ریاست جمهوری در مرکز موسی قلعه جایی را در اختیار گرفتند که محل کنترل و اداره شهر است. اما طالبان می کوشیدند تا با حملات دایم خویش از جابجایی انگلیس ها در محل جلوگیری کنند. در نتیجه ادامه

۱. گزارش ها حاکیست که شاهزاده هری در کتاب خاطراتش مدعی شده است که بیست و پنج عضو طالبان را زمانی که خلبان هلیکوپتر جنگی آپاچی بوده، در دومین سفر خود در افغانستان کشته است؛ روزنامه هایی که به کتاب خاطرات شاهزاده هری، دوک ساسکس پیش از نشر در هفته آینده دسترسی پیدا کرده اند، این را نقل کرده اند. ظاهراً این کتاب پیشاپیش و به طور تصادفی در اسپانیا چاپ و به فروش گذاشته شده است و روزنامه های بریتانیای از جمله گاردین آن را دیده اند.

شاهزاده هری در این کتاب نوشته است در شش ماموریت به افغانستان و در جریان پرواز با هلیکوپتر آپاچی منجر به «گرفتن جان انسان ها» شده، چیزی که به گفته او «نه به آن افتخار می کند و نه از بابت آن شرمنده است.» او نوشته است که «این آمار تلفات من را سرشار از غرور نمی کند، اما شرمنده هم نیستم وقتی در گرما و سردرگمی جنگ غوطه ور شدم به آن بیست و پنج نفر عنوان انسان فکر نمی کردم. آن ها مهره های شطرنج بودند که از روی صفحه حذف شدند، افراد بدی که قبل از این که بتوانند افراد خوب را بکشند، حذف شدند. (بی بی سی ۱۶ جدی سال ۱۴۰۱ هجری خورشیدی).

درگیری‌های روزمره انگلیس‌ها مجبور به قبول عقب‌نشینی از محل نامبرده شدند. چهار صد نفر از نیروهای انگلیس محل را ترک نمودند. این امر موجب گردید که میدان عمل وساحه تیراندازی طالبان توسعه یابد.

انگلیس‌ها در طول دو ماه هشت کشته دادند. برای انگلیس‌ها درد ناکنتر از همه این بود که آن‌ها پس از وقوع حملات طالبان نمی‌توانستند محل استقرار مهاجمان را تشخیص دهند. در نتیجه روستائینی که با فرماندهان و سردسته‌های گروهی طالبان پیوند‌های خونی داشتند، توانستند توسط شورای ریش سفیدان خود، با انگلیس‌ها وارد مذاکره شوند و به عقد قراردادی دست یابند. با این حال، شکست نیروهای ناتو ایساف در این نقطه به دلیل روشن‌کلید خورد:

■ هر فرمانده نیرویی که اندکی تجربه داشت پس از گذشت چند روز از تیراندازی متقابل می‌توانست دریابد که محل استقرار نیروهای انگلیس در پادگان آن‌ها، واقع در وسط آبادی به لحاظ نظامی غیر قابل دوام و به لحاظ انسانی غیر قابل تحمل است. و اذهان افسران انگلیس را بیاد سقوط امپراتوری بریتانیا در منطقه که حدود یک صد سال پیش انجام یافت، در ابعاد کوچک‌تر می‌آورد.

■ اگر انگلیس‌ها به فکر مردم آبادی بودند و قصد محافظت از جان آن‌ها داشتند، واضح بود که می‌بایست می‌کوشیدند تا درگیری‌های نظامی در داخل آبادی صورت نگیرد.

■ اما انتقال محل برخورد به خارج از آبادی به این معنا بود که نیروهای انگلیسی آبادی را ترک گویند، که در نتیجه آن‌جا را مفت و مجانی در اختیار طالبان قرار می‌دادند.

■ به عبارت دیگر، انگلیس‌ها می‌بایست نتیجه می‌گرفتند که بدون توافق کامل با طالبان در زمینه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز، امکان پیشرفت امور درین بخش غیر ممکن بود.

این واقعیت به ما می‌آموزاند که عقد قرارداد‌های نظیر آن چه در بالا شرح آن رفت میان ریش سفیدان محل موسی قلعه ولایت هلمند تنها در صورتی می‌توانست مفید باشد که نیروهای مقابل (طالبان، حزب اسلامی، شبکه حقانی و القاعده) به قدری ضعیف باشند که اهالی

آبادی، خودشان بتوانند مستقیماً آن‌ها را مهار کنند. در غیر این صورت، آن‌گاه یک چنین قراردادی مسوولیت حفظ امنیت را به نحو غیرممکنی به نهادی واگذار می‌کند که تنها به لحاظ قدرت هم که باشد، برای این کار مناسب نیست. شرح قرارداد مزبور که البته میان طالبان و نیروهای انگلیس بسته نشد، بلکه میان ریش سفیدان محل و ولایت یک رشته توافق‌های حاصل گردید، چنین است: رهبری ولایت زیر فشار کابل کوشید تا جایی که می‌تواند نفوذ حکومت را در این قرارداد بگنجانند. ریش سفیدان محل که زیر فشار طالبان قرار داشتند و با توجه به رنج دایمی که بر مردم وارد می‌شود، می‌کوشند بهر نحو ممکن به توافق کتبی برسند تا آن‌ها را از حضور مرگبار نیروهای انگلیس برهاند. این قرارداد چهارده بندی، مجمع روستایی مزبور را از جمله موظف می‌کرد به:

■ پرچم افغانستان را بپذیرند (پرچم طالبان سفید است)

■ نهایت کوشش خویش را به کار گیرند تا اصول مندرج در قانون اساسی افغانستان مورد عمل قرار گرفته و امنیت و قانون برقرار باشد.

■ از ورود افراد مسلح به موسی قلعه جلوگیری به عمل آید، خود حکومت مرکزی پاکستان نیز نمی‌توانست چنین وضعیتی را در وزیرستان شمالی تضمین نماید. این جا قرار گذاشتند که روستائیان چنین وظیفه مهمی را درحالی که دولت مرکزی و نیروهای ایساف دست روی دست می‌گذارند، برعهده بگیرند.

■ برای خدمت در پولیس کمکی افرادی از نیروهای قبایل را بسیج نمایند.

■ این امکان را فراهم نمایند که دولت، سازمان‌های غیر دولتی و شرکت‌های امنیتی، آزادانه به موسی قلعه وارد شوند و نیروهای امنیتی ملی و بین‌المللی بدون مانع در آن جا رفت و آمد نمایند.

■ به جمع‌آوری مالیات برای حکومت اقدام کنند.

■ موجبات بازسازی و توسعه را فراهم آورند.

این قرارداد در روز ۷ سپتامبر سال ۲۰۰۶ میلادی توسط محمد داوود والی و پانزده نفر از بزرگان قوم متعلق به چهار قبیله از مهم‌ترین طوایف مرکز پخش به امضا رسید (ونه تمامی پخش) قرار شد این عهد

نامه در یک محیط پنج کیلومتری از مرکز موسی قلعه موضوعیت پیدا کند. درست همین امر موجب اشکال بود و باعث بطلان آن شد، زیرا منطقه حاکمیت قرارداد بدرستی مشخص نشده بود. با این حال مایه شگفتی و دلیلی بر پای بندی طالبان به امور قرارداد، این که: برای مدت چند ماه تمامی شرایط مندرج در قرارداد تحقق یافتند یا دست کم به آن ها عمل شد. درحالی که صدای جنگ افزارها خاموش بود، اما دولت مرکزی متعرض شد و والی را تبدیل کرد. والی جدید قصد داشت طبق دستوری که از مرکز دریافت کرده بود حاکمیت دولت مرکزی را در قبال قبایل تقویت نماید، و از این جهت موجب بروز نا آرامی شد. عدم آرامش دوباره بی که از آغاز قابل پیش بینی بود.

یکی از اقارب فرمانده محلی طالبان به نام عبدالغفار در ۳۱ جنوری سال ۲۰۰۷ میلادی به همراه بیست نفر از نیروهای آن ها در یک بمباران هوایی توسط امریکایی ها کشته شد. نیروهای امریکا مدعی شدند که حملات آن ها در خارج از محدوده مربوط به قرارداد صورت گرفته است، اما دیگر خود امریکایی ها نیز باید فهمیده باشند که این امر فاقد اهمیت است. زیرا، بر اساس سنت پشتون ها گرفتن انتقام نه فقط مجاز و مطلوب است، بلکه ضروریست. اما فرمانده محل سخنان امریکایی ها را رد کرد و گفت که بمباران مزبور در محدوده منطقه قرارداد انجام یافته است، از این رو عبدالغفار در اول فبروری به همراه دوصد تا سه صد نفر از افراد خود به موسی قلعه وارد و پرچم طالبان را به اهتزاز در آورد. پس از چهار روز، نیروی هوایی امریکا حمله بعدی را انجام داد که درین جریان عبدالغفار کشته شد. با این کار قرار داد اگر چه از لحاظ حقوقی [؟!] معتبر بود. اما در عمل لغو شد.^۱

۱. مرادی، صاحب نظر، افغانستان در سده بیستم، ص ۶۸۴ تا ۶۹۰؛ انتشارات سعید ۱۳۹۴ هجری خورشیدی.

موافقت نامه آوردن صلح به افغانستان

بین امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده امریکا به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته نمی شود و به نام طالبان شناخته می شود و ایالات متحده امریکا
۲۹ فبروی سال ۲۰۲۰ میلادی مطابق با ۵ رجب سال ۱۴۴۱ هجری
قمری

و ۱۰ حوت سال ۱۳۹۹ هجری خورشیدی

- تضمین ها و میکانیسم های اجرایی، که از استفاده از خاک افغانستان توسط هرگونه گروه یا فرد علیه امنیت ایالات متحده و متحدان آن، جلوگیری کند.
- تضمین ها، میکانیسم های اجرایی و اعلام جدول زمانی، برای خروج تمام نیروهای خارجی از افغانستان.
- پس از اعلام تضمین ها برای خروج کامل نیروهای خارجی و جدول زمانی در حضور شاهدان بین المللی، تضمین و اعلام این که از خاک افغانستان علیه امنیت ایالات متحده و متحدانش استفاده نخواهد شد، در حضور شاهدان بین المللی، امارات اسلامی که توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت شناخته نمی شود و به نام طالبان شناخته می شود، مذاکرات بین الافغانی را با طرف های افغان در ۱۰ مارچ سال ۲۰۲۰ میلادی مطابق ۱۵ رجب سال ۱۴۴۱ هجری قمری و ۲۰ حوت سال

۱۳۹۸ هجری خورشیدی، شروع خواهد کرد.

• آتش بس دایمی و جامع، یک موضع آجندای گفت و گو و مذاکرات بین الافغانی خواهد بود. شرکت کنندگان مذاکرات بین الافغانی، در مورد تاریخ و چگونگی آتش بس دایمی و فراگیر، از جمله میکانیزم‌های اجرایی بحث خواهند کرد که همراه با تکمیل و توافق در مورد نقشه راه سیاسی آینده افغانستان، اعلام خواهد شد.

چهار بخش فوق با هم مرتبط و با هم وابسته هستند و هریک مطابق جدول زمانی توافق شده و شرایط توافق شده تطبیق خواهد شد. توافق در مورد دو بخش اول، راه را برای دو بخش آخر هموار می‌کند. در ذیل متن موافقت‌نامه برای تطبیق دو بخش اول است. هر دو طرف موافق هستند که این دو بخش با هم مرتبط و با هم وابسته می‌باشند. تعهدات امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت شناخته نمی‌شود و به عنوان طالبان شناخته می‌شود، در چوکات این موافقت‌نامه در مناطق تحت کنترل شان تا زمان تشکیل حکومت اسلامی جدید پسا توافق افغانستان، که طبق گفت و گو و مذاکرات بین الافغانی تعیین می‌شود، اجرا می‌شود.

بخش اول:

ایالات متحده متعهد است که تمام نیروهای نظامی امریکا، متحدان شرکای ائتلافی، به شمول تمام کارمندان غیر نظامی و غیر دیپلماتیک، پیمان کاران امنیتی خصوصی، مریبان، مشاوران و پرسونل خدمات حمایتی خود را در عرض ۲۱ ماه پس از اعلام این موافقت‌نامه خارج و اقدامات ذیل را در این زمینه روی دست خواهد گرفت.

الف - ایالات متحده، متحدان آن و قوای ائتلاف اقدامات زیر را در

۱۳۵ روز اول انجام خواهند داد:

۱. آن‌ها تعداد نیروهای امریکایی در افغانستان را به ۸۶۰۰ تن کاهش خواهند داد و به همان تناسب تعداد نیروهای متحدان و نیروهای ائتلاف کاهش داده می‌شود.

۲. ایالات متحده، متحدان آن و قوای ائتلاف، تمام نیروهای خود را

از پنج پایگاه نظامی خارج خواهند کرد.

ب- با توجه به تعهد و عمل امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود، در بخش دوم این موافقت نامه، ایالات متحده، متحدان آن و قوای ائتلاف این اقدامات را اجرا خواهند کرد.

۱. ایالات متحده، متحدان آن و قوای ائتلاف، خروج کلیه نیروهای باقی مانده را از افغانستان طی ۹ ماه و نیم باقی مانده تکمیل خواهند کرد.
۲. ایالات متحده، متحدان آن و قوای ائتلاف تمام نیروهای خود را از پایگاه های باقی مانده خارج خواهند کرد.

ج- ایالات متحده متعهد است که با تمام طرف های ذیربط، فوراً کار در مورد آزاد سازی هر چه زود تر اسیران جنگی و سیاسی را به عنوان یک اقدام اعتماد سازی شروع کند. پنج هزار زندانی امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود، و یک هزار زندانی طرف دیگر تا ۱۰ مارچ سال ۲۰۲۰ میلادی روز اول مذاکرات بین الافغانی که مطابق است به ۱۵ رجب سال ۱۴۴۱ هجری قمری (۲۰ حوت ۱۳۹۸ هجری خورشیدی)، آزاد خواهند شد. طرف های ذیربط این هدف را دارند که تمام زندانیان باقی مانده را، طی سه ماه بعدی آزاد کنند. ایالات متحده به تکمیل این هدف متعهد است. امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود، متعهد است که زندانیان آزاد شده اش به مسوولیت های ذکر شده در این موافقت نامه متعهد باشند، تا تهدیدی از جانب آن ها متوجه امنیت ایالات متحده و متحدانش نباشد.

د- با شروع مذاکرات بین الافغانی، ایالات متحده بازنگری اداری خود را در مورد تحریم های فعلی امریکا و لیست پاداش ها به اعضای امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته نمی شود و به عنوان طالبان شناخته می شود، با هدف برداشتن این تحریم ها تا ۲۷ اگست سال ۲۰۲۰ میلادی که مطابق با ۸ محرم سال ۱۴۴۲ هجری قمری و (۶ سنبله ۱۳۹۹ هجری خورشیدی) است، آغاز خواهد کرد.

ر- با شروع مذاکرات بین الافغانی، ایالات متحده تعامل

دیپلوماتیک خود را با سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد و افغانستان، برای حذف نام اعضای امارت اسلامی افغانستان که توسط ایالات متحده به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته نمی‌شود و به عنوان طالبان شناخته می‌شود، از لیست تحریم‌ها با هدف انجام آن تا تاریخ ۲۹ می سال ۲۰۲۰ میلادی که مطابق است با ۶ شوال ۱۴۴۱ هجری قمری و (۹ جوزای ۱۳۹۹ هجری خورشیدی) شروع خواهد کرد. و، ایالات متحده و متحدانش از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی افغانستان یا مداخله در امور داخلی این کشور خودداری خواهند کرد.

بخش دوم:

همراه با اعلام این موافقت‌نامه امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی‌شود و به عنوان طالبان شناخته می‌شود، گام‌های زیر را برای جلوگیری استفاده هر گروه یا فرد از جمله القاعده از خاک افغانستان برای تهدید امنیت ایالات متحده و متحدانش، برخواهد داشت:

۱. امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی‌شود و به عنوان طالبان شناخته می‌شود، به هیچ‌یک از اعضایش، سایر افراد و گروه‌ها، از جمله القاعده، اجازه نخواهد داد که از خاک افغانستان برای تهدید امنیت ایالات متحده و متحدانش استفاده کنند.

۲. امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی‌شود. و به عنوان طالبان شناخته می‌شود، پیام واضحی خواهد داشت که آن‌هایی که برای امنیت ایالات متحده تهدید محسوب می‌شوند، در افغانستان جایی ندارند و به اعضای امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی‌شود. و به عنوان طالبان شناخته می‌شود، هدایت خواهد داد که با گروه‌ها یا افرادی که امنیت ایالات متحده و متحدانش را تهدید می‌کنند، همکاری نکنند.

۳. امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی‌شود و به عنوان طالبان شناخته می‌شود، هرگونه

گروه یا فرد را از تهدید امنیت ایالات متحده و متحدانش ممانعت خواهد کرد، جلو سربازگیری، آموزش و تمویل آن‌ها را خواهد گرفت و مطابق تعهداتش در این موافقت‌نامه، از آن‌ها میزبانی نخواهد کرد.

۴. امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی‌شود و به عنوان طالبان شناخته می‌شود، متعهد است با کسانی که به دنبال پناهندگی یا اقامت در افغانستان هستند، طبق قانون مهاجرت بین‌المللی و تعهداتش در این موافقت‌نامه عمل خواهد کرد، تا از جانب چنین افرادی، تهدیدی متوجه امنیت ایالات متحده و متحدانش نباشد.

۵. امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی‌شود و به عنوان طالبان شناخته می‌شود، برای کسانی که تهدیدی برای امنیت ایالات متحده و متحدانش محسوب شوند، ویزه، پاسپورت، مجوز سفر یا سایر اسناد قانونی را برای ورود آن‌ها به افغانستان فراهم نخواهد کرد.

بخش سوم:

۱. ایالات متحده خواستار به رسمیت شناختن و تأیید این موافقت‌نامه از جانب شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهد شد.

۲. ایالات متحده و امارت اسلامی افغانستان، که توسط ایالات متحده به عنوان دولت شناخته نمی‌شود و به عنوان طالبان شناخته می‌شود، به دنبال روابط مثبت با یک دیگر هستند و انتظار دارند که روابط بین ایالات متحده و حکومت اسلامی جدید پسا توافق، که توسط مذاکرات بین‌الافغانی تعیین می‌شود، مثبت باشد.

۳. ایالات متحده به دنبال همکاری اقتصادی با حکومت اسلامی جدید پسا توافق، که توسط مذاکرات بین‌الافغانی تعیین می‌شود، برای بازسازی [افغانستان] خواهد بود و در مورد داخلی آن دخالت نخواهد کرد.

این موافقت‌نامه به تاریخ ۲۹ فبروری سال ۲۰۲۰ میلادی که مطابق است با ۵ رجب سال ۱۴۴۱ هجری قمری و ۱۰ حوت سال ۱۳۹۸ هجری قمری در دو نسخه به زبان‌های پشتو، دری و انگلیسی که همه

موافقت‌نامه دوحه میان گروه طالبان و ایالات متحده امریکا ■ ۲۲

متون اعتباریکسان دارد، در دوحه قطر به امضا رسید.^۱

۱. تمنا، فرامرز، معمای صلح وامنیت افغانستان، ص ۲۰۳ تا ۲۰۸. انتشارات امیری
۱۳۹۹ هجری خورشیدی.

Doha Agreement

between the Taliban and the
United States of America

Zekria Asoli

ISBN 978-9936-1-0108-1



9 789936 101081